

شناسایی مولفه‌های فرهنگی و اجتماعی تحکیم خانواده در راستای پیشگیری از طلاق (مطالعه موردی جوانان در آستانه ازدواج شهر تهران)

حامد محمدی^۱، مهرداد نوابخش^{۲*}، محمدصادق مهدوی^۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۵/۰۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۸/۱۲

DOI: 10.30495/JISDS.2022.64118.11634

چکیده

خانواده در نظام جمهوری اسلامی ایران و در سایر نظام‌های اجتماعی از جایگاه بی بدیلی برخوردار است. بر همین اساس در برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور همواره بر خانواده و تعالی و تحکیم آن تاکید شده است. اما مشاهدات و پژوهش‌های علمی صورت گرفته نشانگر این مهم است که مسیری را که این نهاد اجتماعی طی سنوات اخیر در ایران طی نموده است مورد انتظار برنامه‌ریزان توسعه نبوده است. بر این اساس پژوهش حاضر با این فرض که "بین مولفه‌های واقعی تحکیم خانواده و مولفه‌های مورد برنامه‌ریزان توسعه اجتماعی فاصله وجود دارد" آغاز به کار نمود. تحقیق حاضر با استفاده از روش اسنادی و میدانی و تکنیک پرسشنامه و برای ۳۹۰ نفر از جوانان در آستانه ازدواج به اجرا در آمده است. نتایج این پژوهش نشان دهنده این است که متاسفانه حدود نیمی از دختران و پسران در آستانه ازدواج تمایلی به ازدواج ندارند و زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی برای تامین نیازهای اساسی یک زندگی برای ایشان متناسب با الگوها و ساختارهای امروز جامعه ایران فراهم نشده است. از دیگر سو تغییرات جدی در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی کشور ضمن ایجاد تغییرات ژرف در ساختارهای اجتماع-اقتصادی کشور، موجبات بروز تغییرات اساسی در جنس و نوع مناسبات اجتماعی از جمله در نحوه گزینش همسر از همسان گزین به سمت نا همسان گزین شده است و این امر در ترکیب با سایر مولفه‌های کلان و خرد اجتماعی موجب بروز چالش‌های جدی برای بقا و تعالی خانواده‌های ایرانی شده است. در نهایت با بررسی فرضیه‌های مطرح شده پژوهش حاضر، رابطه بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی، اعتقادات مذهبی و حمایت‌های اجتماعی با تحکیم بنیان خانواده تایید شد.

واژگان کلیدی: دختران در آستانه ازدواج، پسران در آستانه ازدواج، همسان گزین، نا همسان گزین، تحکیم خانواده

^۱ دکترای جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
(Email: Mohammadi_hd61@yahoo.com)

^۲ استاد جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
(Email: Mehrdad_Navabakhsh@yahoo.com)

^۳ دانشیار، گروه علوم اجتماعی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

مقدمه و بیان مسئله:

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل دهم در اهمیت توجه به خانواده چنین آمده است که: "از آنجایی که خانواده واحد بنیادین جامعه اسلامی است، همه قوانین، مقررات و برنامه ریزی‌های مربوطه باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از مقررات آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد". همچنین در برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور همواره تلاش شده است تا به نوعی به موضوع خانواده پرداخته شود از دیگر سو بررسی قانون تشکیل خانواده و تحکیم و تعالی آن نشان می‌دهد که این قانون مصداق کامل رویکرد خانواده‌گرایی در حوزه سیاستگذاری اجتماعی است. اما سوال اینجاست که چرا علی‌رغم همه این پرداختن‌ها، وضعیت خانواده‌های ایرانی و آمارهای موجود در این زمینه از تأثیرات معکوس در زمینه شاخص‌های ازدواج، طلاق، فرزند آوری و ... حکایت می‌کند؟

تغییرات سریع و دگرگونی الگوهای فرهنگی و تقابل و تضاد میان هنجارها و نقش‌های اجتماعی به تغییر شکل و همچنین ازهم‌پاشیدگی روابط متقابل اجتماعی و انسانی منجر شده است (نیازی و همکاران، ۱۳۹۶). بر این مبنای نوع کارکردهای خانواده نیز تغییر کرده است و محیط اجتماعی و وسایل دنیای مدرن به تغییر شیوه زندگی زوجین منجر شده است (پیشین). تحول خانواده، یکی از مهمترین مسائل جهان معاصر است به طوری که از چند دهه پیش، تقریباً در همه جهان، چه در کشورهای صنعتی و چه در کشورهای رو به رشد، با تجزیه خانواده روبرو بوده‌ایم. (نیازی و همکاران، ۱۳۹۶)

خانواده در سراسر جهان از تحولات فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی نوسازی و جهانی شدن مانند شهرنشینی، گسترش فناوری، تحرک جغرافیایی افزایش دسترسی به ابزارهای جدید اثر پذیرفته و با تغییر در مناسبات و کارکردها، در پی سازگاری خویش با شرایط جدید است و باید این تغییرات را پذیرفت مروری بر مطالعات انجام شده در زمینه طلاق، نشان می‌دهد که روند افزایش طلاق در نیم قرن اخیر یک روند جهانی^۱ است. ایران نیز از این قضیه مستثنی نیست و در دو دهه اخیر، به سمت افزایش میزان طلاق در حال حرکت است (ر.ک. موسوی و یایه، صدقی الهرد، ۱۳۹۸).

وضعیت خانواده، چگونگی روابط بین اعضای خانواده و انحلال و فروپاشی آن از یکسو، بازتاب شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است و خانواده به عنوان یکی از اجزای نظام اجتماعی و دارا بودن ویژگی‌های یک نهاد اجتماعی، از تأثیرپذیری متقابل برخوردار است. از سوی دیگر، طلاق معلول عوامل درونی در خانواده (سطح خرد) و کیفیت و چگونگی آن است (نیازی و همکاران، ۱۳۹۶).

روند رو به افزایش طلاق‌ها در مقایسه با ازدواجه (کاهش نسبت ازدواج به طلاق) و استمرار آن در کشور و در تمام استان‌های کشور مبین این مهم است که سیاستگذاری‌های کلان اجتماعی^۲ نتوانسته است موجبات تحکیم و تعالی خانواده را فراهم آورد. چالش‌های ایجاد شده در حوزه خانواده نیاز به مطالعات علمی و مداخلات مبتنی بر پژوهش‌های میدانی را بیش از پیش بر اهمیت ساخته است.

جدول ۱- فراوانی ازدواج، طلاق و نسبت ازدواج به طلاق از سال ۸۳ تا ۹۸ در استان تهران (منبع: سازمان ثبت احوال کشور)

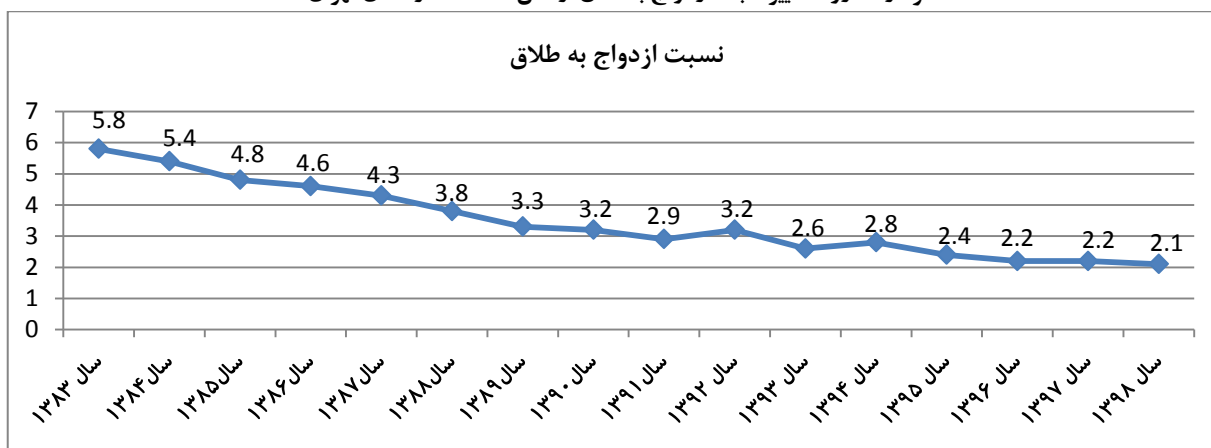
سال	ازدواج	طلاق	ازدواج به طلاق
۱۳۸۳	۹۶۵۸۷	۱۶۵۶۷	۵٫۸
۱۳۸۴	۱۰۱۲۶۳	۱۸۶۶۷	۵٫۴
۱۳۸۵	۹۷۵۷۶	۲۰۳۳۵	۴٫۸
۱۳۸۶	۱۰۴۰۲۷	۲۲۵۵۷	۴٫۶
۱۳۸۷	۱۰۷۷۲۲	۲۴۸۴۸	۴٫۳

^۱ Global trends

^۲ Macro-social policies

سال	ازدواج	طلاق	ازدواج به طلاق
۱۳۸۸	۱۰۸۹۵۴	۲۸۹۳۶	۳٫۸
۱۳۸۹	۱۰۴۸۸	۳۰۴۰۳	۳٫۳
۱۳۹۰	۱۰۱۸۲۹	۳۱۶۴۰	۳٫۲
۱۳۹۱	۹۳۵۷۲	۳۲۷۱۳	۲٫۹
۱۳۹۲	۹۲۷۱۶	۲۹۲۵۲	۳٫۲
۱۳۹۳	۸۷۱۴۵	۳۲۹۷۶	۲٫۶
۱۳۹۴	۸۶۸۸۳	۳۰۴۵۹	۲٫۸
۱۳۹۵	۹۷۵۹۱	۳۹۲۸۲	۲٫۴
۱۳۹۶	۷۸۹۷۲	۳۵۸۱۸	۲٫۲
۱۳۹۷	۷۲۶۹۰	۳۲۸۳۲	۲٫۲
۱۳۹۸	۶۸۵۹۲	۳۱۷۳۳	۲٫۱

نمودار ۱- روند تغییر نسبت ازدواج به طلاق از سال ۸۳ تا ۹۸ در استان تهران



آمار ارائه شده به همراه نمودار احصا شده بر اساس آن موید کاهش چشمگیر نسبت ازدواج به طلاق است. از آن جا که این نسبت در زمره مناسب ترین شاخص‌های مربوط به سنجش میزان استحکام خانواده قلمداد می‌گردد لذا به وضوح نمایان است که طی سال‌های اخیر وضعیت نهاد خانواده و پایداری آن به شدت دستخوش تغییر شده است. این مهم با توجه به جایگاه و اهمیت نهاد خانواده در تولید و بازتولید مولفه‌ها و سازوکارهای اجتماعی مورد نیاز برای بقاء جامعه، بیش از هر زمان دیگری نیازمند واکاوی و بازشناسی علل و عوامل ایجاد کننده وضع موجود است.

پیشینه تحقیق

مطالعات داخلی

"بررسی رویکرد نظری قانون تشکیل خانواده و تحکیم و تعالی آن" پژوهشی است که فاطمه موسوی و پایه و سولماز صادقی الهرد در سال ۱۳۹۸ به انجام رسانده‌اند. این پژوهش درصدد است تا رویکرد نظری سیاستگذاران در حوزه خانواده را با تحلیل محتوای قانون آشکار کند، از این رو مدل‌های ارتباط خانواده و جامعه در چارچوب کارکردهای خانواده و الگوهای مطلوب خانواده را در دو صورت تصریحی و تلویحی آن بررسی می‌کند. واکاوی قانون تشکیل خانواده و تحکیم و تعالی آن نشان می‌دهد که از نظر سیاستگذاران، کارکرد تربیتی (جامعه پذیری فرزندان) بیش از سایر کارکردها (تثبیت شخصیت، کارکرد اقتصادی و فرزندآوری) اهمیت دارد و خانواده مطلوب، خانواده پایدار و کارآمدی است که اعضای خانواده در نقش‌های جنسیتی خود ایفای نقش می‌کنند. قانونگذار در حدود نیمی از موارد، آموزش و فرهنگسازی را به عنوان راهبرد اجرای سیاستهای تدوین شده انتخاب کرده است.

"رابطه توسعه و طلاق در ایران" عنوان پژوهشی است که منصور دیهول و همکاران در سال ۱۳۹۷ به انجام رسانده‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که همواره با روند رشد شاخص‌های توسعه در طول دوره مورد بررسی (۱۳۶۰ تا ۱۳۹۲) در کشور، میزان طلاق نیز افزایشی قابل توجه یافته است. بررسی رابطه بین متغیرهای این پژوهش نشان می‌دهد که از میان متغیرهای مورد بررسی، توسعه اقتصادی-اجتماعی، سطح باسوادی و اشتغال در بخش صنعت در کوتاه مدت تاثیر منفی بر طلاق داشته است و بررسی بلند مدت حاکی از تاثیر مثبت آن بر طلاق (افزایش طلاق) می‌باشد.

"فرا تحلیل مطالعات و تحقیقات درباره عوامل مرتبط با طلاق در ایران برای دوره ۱۳۹۶-۱۳۸۶" عنوان مطالعه‌ای است که محسن نیازی و همکاران در سال ۱۳۹۶ به انجام رسانده‌اند. یافته‌های این پژوهش حاکی از این امر است که تایج حاصل از بیست مقاله تحلیل شده محتوایی نشان می‌دهد که عوامل فرهنگی با ضریب تاثیر (۰/۳۱) تاثیر متوسط رو به بالا، در افزایش طلاق دارد. پس از آن، عوامل اقتصادی با ضریب تاثیر (۰/۲۳) عوامل اجتماعی با ضریب (۰/۱۹) و عوامل فردی با ضریب (۰/۱۴) به ترتیب، میزان تاثیر متوسط رو به پایین بر میزان طلاق دارند.

"علل افزایش سن ازدواج دختران" پژوهشی است که گنجابی و غفاری در سال ۱۳۹۰ به انجام رسانده‌اند. آنان ۱۲۹۱ نفر از دختران را در ۵ شهر تهران، ساری، خرم‌آباد، مشهد و سمنان مطالعه کرده‌اند؛ نتایج تحقیقات آنان نشان می‌دهد که دخترانی که دیرتر ازدواج می‌کنند، از تحصیلات بالاتری برخوردارند، نگرش فرمادی به ازدواج داشته و اعتقاد دارند که درست است که ازدواج یک فرصت خوب در زندگی است، اما وقتی ازدواج رخ می‌دهد، فرد یک سری فرصت‌هایی را از دست داده و هزینه‌هایی باید بدهد که بیشتر از فرصت بدست آورده است.

مطالعات خارجی

گزارش نرخ طلاق در سراسر جهان در فوریه سال ۲۰۱۹ به وسیله دلا پائولو و در موسسه روانشناسی امروز منتشر شده است. نتایج این گزارش حاکی از این است که در سطح جهانی، در حدود چهار دهه بین ۱۹۷۰ و ۲۰۰۸، میزان طلاق بیش از دو برابر شده است و از ۲٫۶ طلاق برای هر ۱۰۰۰ متاهل به ۵٫۵ رسیده است. این نتایج متوسط آماری در تمام مناطق جهان است که مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. نرخ طلاق از پایین‌ترین نرخ‌های ۰/۴۵ و ۰/۴۶ برای سریلانکا و پرو به بالاترین سطح ۱۹/۰۱، ۱۱/۴۹ و ۱۱/۰۳ برای قزاقستان، روسیه و کوبا بود. (Divorce rates Around the World، ۲۰۱۹)

طبق گزارش مرکز تحقیقاتی PEW که در سال ۲۰۱۵ و در آمریکا منتشر شده است زندگی خانوادگی در حال تغییر است. خانواده‌های دو والدین در ایالات متحده در حال کاهش هستند زیرا طلاق، ازدواج مجدد و زندگی مشترک در حال افزایش است. و خانواده‌ها، به دلیل رشد خانواده‌های تک والدین و کاهش باروری در حال کوچکتر شدن هستند. آمریکایی‌ها نه تنها فرزندان کمتری دارند، بلکه شرایط والدین نیز تغییر کرده است. در حالی که در اوایل دهه ۱۹۶۰ نوزادان معمولاً با ازدواج به دنیا می‌آمدند، امروزه حدود ۴۰ درصد زایمان‌ها در زمانی رخ می‌دهد که مجرد هستند یا با یک شریک غیر زناشویی زندگی می‌کنند. همزمان با تغییر ساختارهای خانواده، نقش مادران در محل کار - و در خانه نیز تغییر کرده است. با ورود تعداد بیشتری از مادران به بازار کار، تعداد بیشتری از مادران به نان آوران اصلی در خانواده‌های خود تبدیل شده‌اند (Pew research center، ۲۰۱۵).

مبانی نظری

بر اساس نظریه مبادله^۱، افراد هنگامی وارد رابطه می‌شوند که بتوانند ضمن به حداقل رساندن هزینه‌ها، منافع خود را به حداکثر برسانند. افراد در ارتباط‌هایی شرکت می‌کنند که امید به پاداش و منافع داشته باشند و از تعاملاتی که احتمال بروز درد و رنج

^۱ Exchange theory

داشته باشد، دوری می‌کنند. حداقل انتظار افراد از یک رابطه این است که میزان رنج‌آوری و منافع حاصل از آن مساوی باشد. شواهدی وجود دارد که پایداری یک رابطه با سطح کلی پاداش‌های موجود مرتبط است. این نظریه اشاره به این مطلب دارد که هرکس منابع شخصی مانند پول، دانش، استعداد، عاطفه و ... دارد، برای پاداش مناسب دیگران از این منابع استفاده می‌کند. چنین منابعی می‌تواند منابع قدرت در تصمیم‌گیری زوجین باشد. نظریه مبادله اجتماعی می‌تواند برای کمک به زوجین در موقعیت‌های متعارض، بسیار استفاده شود. (عبداللهی و همکاران، ۱۳۹۹)

پارسونز با کاربرد مفهوم "فردگرایی نهادینه شده"^۱، فردگرایی را ویژگی ذاتی جامعه مدرن توصیف کرده و بر همین اساس نیز ظهور خانواده هسته‌ای در جامعه مدرن را توضیح داده است؛ به این ترتیب که با ظهور اقتصاد صنعتی، خانواده گسترده کارکرد اقتصادی خود را از دست می‌دهد، کار از خانه به کارخانه منتقل می‌شود و به دنبال آن افراد در جستجوی کار از خانواده جدا می‌شوند تا منافع خود را شخصاً در محیطی با شرایط متفاوت، نظیر کارخانه دنبال کنند. علاوه بر ضرورت استقلال افراد از اعضای خانواده در جامعه صنعتی، پارسونز با تأکید بر نابرابری‌های ایجاد شده در بین اعضای خانواده به لحاظ تخصص، مسئولیت و قدرت استدلال می‌کند که این نابرابری‌ها زمینه دگرگونی خانواده گسترده را فراهم کرده و موجب شکل‌گیری خانواده هسته‌ای شده است. (ملکی و همکاران، ۱۳۹۴)

فرانسیس فوکویاما، تغییرات جمعیت شناختی موسوم به موج دوم گذر جمعیت شناختی را "فروپاشی هنجاری بزرگ"^۲ نامیده و آن را به مثابه افول سرمایه اجتماعی مفهوم سازی کرده است. وی استدلال می‌کند، ریشه این افول را بایستی در دگرگونی روابط خانوادگی به عنوان کانون سرمایه اجتماعی جستجو کرد؛ فوکویاما رابطه زن و مرد در پیوند زناشویی را به مثابه نوعی مبادله اقتصادی تعریف می‌کند که هر یک از طرفین انتظارهای متقابلی از این مبادله دارند، اما در جریان توسعه اجتماعی با رونق بازار کار زنان از یک سو و توسعه فناوری‌های مربوط به پیشگیری از بارداری، بسیار از تعهدات متقابل زن و مرد رنگ می‌بازد و این امکان را برای آنها فراهم می‌کند تا با رهایی از قید و بندهای موجود پیرامون پیوند زناشویی، خواسته‌های شخصی خود را راحت‌تر دنبال کنند. (ملکی و همکاران، ۱۳۹۴)

بروس کوئن نیز در خصوص تغییرات خانواده در جریان توسعه اجتماعی معتقد است: این یک واقعیت است که میزان طلاق در جوامع نوین زیاد شده است. این وضعیت از جامعه و ارزش‌های متغیر آن سرچشمه می‌گیرد تا از گسیختگی و تباهی خانواده به- عنوان یک نهاد اجتماعی. امروزه از انواع کارکردهای خانواده در گذشته کاسته شده است و زن و شوهر برای تأمین نیازمندی‌ها و خدمات خود به خانواده متکی نیستند. (نیازی و همکاران، ۱۳۹۶)

اودری، کاهش پایبندی به ارزش‌های مذهبی و دینی را در افزایش طلاق مؤثر می‌داند و به نقش دین به عنوان عاملی در راه جلوگیری از طلاق اشاره می‌کند. به نظر او افرادی که ایمان مذهبی دارند، کمتر به طلاق روی می‌آورند تا آنها که چنین ایمانی ندارند. با تضعیف ایمان و نبود پایبندی‌های مذهبی در اکثریت افراد و تغییر ارزش‌ها، میزان طلاق در جامعه افزایش می‌یابد. (نیازی و همکاران، ۱۳۹۶)

تئوری نوگرایی^۳ گیدنز: یکی از مهمترین آفت‌های اجتماعی که هر جامعه‌ای را با مشکل جدی مواجه می‌سازد فقدان اعتماد میان اعضای جامعه یا به اصطلاح بی‌اعتمادی است. گسترش بی‌اعتمادی و دورویی در روابط اجتماعی و گسترش انواع انحرافات اخلاقی در سطح جامعه به نهاد خانواده و مناسبات انسانی نیز تسری یافته و اساساً کیفیت ارتباط با دیگران را دچار شک و تزلزل کرده است (گیدنز، ۱۳۹۲: ۱۴۴).

¹ Institutionalized individualism

² The great normative collapse

³ Modernity theory

در دیدگاه گیدنز، صنعت‌گرایی، سرمایه‌داری و تسلط ارزش‌های سرمایه‌مدارانه، تقویت نهادهای نظارت اجتماعی، قدرت سازماندهی و پویایی نهادهای عصر تجدد و جهانی شدن از جمله ویژگی‌های دوران مدرنیته شناخته می‌شوند. همچنین، در اندیشه این نظریه‌پرداز اجتماعی، پویایی و تحرک خارق‌العاده عصر تجدد با سه عامل شناخته شده‌اند؛ جدایی زمان و مکان که بسیاری از پدیده‌های محلی را به وقایع جهانی تبدیل کرده است، ساختارهای تکه‌برداری شده (نشانه‌های نمادین و نظام‌های کارشناسی)، بازتابندگی نهادین یا حساسیت فوق‌العاده سازمان‌های جامعه مدرن برای پذیرش تغییراتی که براساس مشاهدات به سرعت در خانواده منعکس می‌شود (گیدنز، ۱۳۹۲: ۲۴). اگر سایر ویژگی‌های مدرنیسم مانند خردگرایی، فردگرایی، افسون‌زدایی، پوچ‌گرایی و دگرگونی را نیز در نظر بگیریم، در هر کدام از آنها نیز می‌توانیم این تحولات را شرح دهیم. اما، مسئله این است که مدرنیته و ابعاد مختلف آن، بدون واسطه‌های تغییر از جمله شهرنشینی، کاهش نفوذ نظام خویشاوندی، تحرک جغرافیایی، تکنولوژی و تکنولوژی اطلاعات، اشتغال زنان، جنبش حقوق زنان و تنوع‌پذیری نهادهای اجتماعی نمی‌توانستند در خانواده مؤثر باشند. به بیان دیگر، تغییری که در جامعه مدرن اتفاق افتاده، باعث شده است برخی از ویژگی‌های ازدواج در جامعه سنتی، مانند نوع انتخاب همسر و دخالت در آن، ازدواج‌های فامیلی، چند زنی، قابلیت فرزندآوری، پایین بودن سن ازدواج، فاصله سنی زن و مرد، پدیده ازدواج مجدد و ... تغییر کنند.

در واقع به عقیده گیدنز، کاهش نفوذ گروه‌های خویشاوندی، انتخاب آزادانه‌تر همسر، به رسمیت شناخته شدن حقوق زنان و خانواده، کاهش ازدواج‌های خانوادگی، آزادی جنسی و توجه به حقوق کودکان، از جمله تغییرات عمده‌ای است که در خانواده اتفاق افتاده است.

تئوری تورم رکودی^۱: این تئوری به‌عنوان یک نحله فکری در جامعه‌شناسی معتقد است که در دوره‌های رواج و رونق اقتصادی مردم بیشتر ازدواج می‌کنند و در دوره‌های بحران و رکود اقتصادی ازدواج‌ها به تاخیر می‌افتند و یا اصلاً منفی می‌شوند. در اینکه آیا کشور ما نیز با اینگونه بحران‌ها مواجه بوده و آیا یکی از عوامل اصلی بوجود آورنده پدیده تاخیر در سن ازدواج می‌باشد به توضیح بیشتر این تئوری می‌پردازیم.

جوامعی که در حال گذار بوده‌اند یا در ابتدای توسعه صنعتی می‌باشند از سن متوسط ازدواج بالایی برخوردارند که این پدیده در کشورهای ژاپن، هند، آمریکا و کشورهای غربی مشاهده شده است. شاید در سطح کلان عامل اصلی بالارفتن سن ازدواج ناشی از وجود ساختار اقتصادی در حال گذار در این کشورها می‌باشد زیرا همواره در ابتدای دوره رشد صنعت و به دنبال آن امکان آزادی فردی و کاهش حضور والدین در امر ازدواج و پایین بودن سطح زندگی و نیز وجود بیکاری سن متوسط ازدواج بالا می‌باشد (میشل، ۱۳۷۸: ۱۴۶).

بروز انواع بحران‌های اقتصادی و مهمترین مولفه‌های تورم رکودی نظیر حجم نقدینگی، تورم، رکود، کاهش حجم تولید، بیکاری، مصرف‌گرایی و افزایش سطح انتظارات اثرات منفی بر سن ازدواج جوانان گذاشته و موانع و مشکلاتی را در عرصه اقتصادی در سر راه ازدواج جوانان قرار داده است. تئوری تورم رکودی از میان ابعاد و موانع عمده ازدواج تنها به یکی از این موانع که وجه اقتصادی آن می‌باشد پرداخته و در واقع این تئوری از تاملت و جامعیت کافی برخوردار نبوده و تنها از یک زاویه به مسأله تاخیر در سن ازدواج می‌نگرد و آن از زاویه وضعیت اقتصادی است (مجدالدین، ۱۳۸۶: ۱۴۱). پیش‌بینی عمده این تئوری این است: زمانیکه اوضاع اقتصادی جامعه مناسب باشد میل به ازدواج بیشتر و زمانی که اوضاع اقتصادی جامعه مناسب نباشد تاخیر در سن ازدواج بیشتر شده و به‌عنوان یک مسأله اجتماعی نمود پیدا می‌کند.

^۱ Recession Inflation Theory

چارچوب نظری

قدر مسلم است که با توجه به نظریه‌های ارائه شده در مبانی نظری نگارنده می‌باید به ارائه چهارچوب نظری خود پردازد اما با توجه به اینکه بررسی جامعه‌شناختی مولفه‌های تحکیم خانواده در راستای پیشگیری از طلاق پژوهشی است که ساختار و ویژگی‌های مختص به خود را داراست، هیچ یک از نظریه‌های بیان شده در مبانی نظری، به تنهایی نمی‌توانند موضوع مورد پژوهش را تبیین نمایند، زیرا آنچه از ارزیابی این نظریه‌ها بدست می‌آید نشان دهنده آن است که هر کدام در تبیین پدیده مورد نظر یک سری عوامل و دلایل که به طور کامل مورد اثبات واقع نشده‌اند، ارائه نموده‌اند که بر اساس تحقیقات زمانی و اوضاع و احوال آن نظریه پردازان بوده است، لذا در این قسمت نگارنده با استفاده از مجموعه‌ای چند از نظریات ارائه شده به ارائه چهارچوب نظری خود در باب موضوع تحقیق می‌پردازد.

مسئله ساختار و عاملیت^۱ امروزه یکی از مباحث و مسائل بنیادی در علوم اجتماعی است. توجه به ارتباط بین ساختار و عاملیت در مرکز توجهات و مطالعات بعضی صاحب نظران و نظریه پردازان نظیر گیدنز، آرچر، مزلز، بوردیو و... قرار گرفته است که در سنت اروپایی تحقیق و مطالعه می‌کنند. رابطه بین عاملیت و ساختار از زمان‌های بسیار دور یکی از عوامل حاکم بر نظریات روش‌شناسی و اپیستمولوژی و انتولوژی بوده است. در این زمینه دیدگاه‌هایی وجود دارد که، دو اندیشمند پیشگام و صاحب‌نظران این نظریه عبارتند از: گیدنز و بوردیو که در پیدایش ساخت یابی مؤثر بوده‌اند. (پارکر، ۱۳۹۲: ۵۴).

گیدنز معتقد است که ارتباط میان ساختار و عاملیت عنصر بنیادی نظریه اجتماعی است، ساختار و عاملیت دوآلیسمی هستند که جدا از یکدیگر قابل درک نیستند. استدلال اصلی او در بیان او یعنی دوگانگی ساختار قرار دارد. در سطح اساسی این به این معنی است که افراد جامعه را می‌سازند اما در همان حال به وسیله جامعه محدود می‌شوند. عمل و ساختار نمی‌توانند جدا از هم تحلیل شوند. همان‌طور که ساختارها از طریق اعمال ایجاد شده حفظ می‌شوند و تغییر می‌کنند، اعمال نیز تنها از طریق پیش زمینه ساختاری شکل معناداری به خود می‌گیرند. مسیر علیت در دو سمت حرکت می‌کند و تعیین این که چه چیز، چه چیزی را تغییر می‌دهد، غیر ممکن می‌سازد. به گفته گیدنز، این دوگانگی در واقع دو وجهی بودن است. یک چیز یا یک موضوع مورد مطالعه با دو وجه دارد بر اساس نظریه ساختار بندی قلمرو پژوهشی اساس علوم اجتماعی نه تجربه کنش فردی و نه وجود نوعی کلیت اجتماعی بلکه کردارهای اجتماعی سامان یافته در زمان و مکان است (کرایب، ۱۳۹۹: ۱۴۵).

نظریه ساختار بندی گیدنز این پرسش را بررسی می‌کند که آیا این افراد هستند که واقعیت اجتماعی را شکل می‌دهند یا نیروهای اجتماعی. او از اتخاذ موضع افراطی پرهیز می‌کند و بر این باور است که اگرچه مردم در انتخاب اعمالشان کاملاً آزاد نیستند و دانش آنها محدود است، با این وجود آنها عاملانی هستند که ساختار اجتماعی را باز تولید می‌کنند و تغییرات اجتماعی را به وجود می‌آورند. بوردیو نیز مانند گیدنز در نظر دارد با گذر از این دوگانه، نگاه جدیدی به کنش داشته باشد. بوردیو این کار را با تاکید بر مفهوم «رابطه» انجام می‌دهد. به این معنی که واقعیت اجتماعی را نه نتیجه مستقیم رفتار فردی و نه حاصل تعیین‌های ساختار اجتماعی می‌داند بلکه آنرا در رابطه دیالکتیک سوژه و ابژه^۲ تعریف می‌کند. به این ترتیب، رابطه متقابلی میان کنشگر و ساختار شکل می‌گیرد. از نظر بوردیو، واقعیت‌های اجتماعی «روابط عینی‌ای (هستند) که نه می‌توان آن‌ها را نشان داد و نه با انگشت لمس کرد، بلکه باید آن‌ها را به دست آورد، بر ساخت و به یمن کار علمی به آن‌ها اعتبار داد.» (جمشیدی‌ها و پرستش، ۱۳۸۶: ۲) بوردیو این گذار را به واسطه دو مفهوم «عادت‌واره»^۳ و «میدان» انجام می‌دهد. میدان از منظر بوردیو، «فضاهای ساختارمند موقعیت‌ها تعریف می‌شود که از قواعد خاص خود پیروی می‌کنند. در هر میدانی، مبارزه‌ای میان قدیمی‌ها که بر میدان مسلطند و می‌کوشند انحصار آن را با از بین بردن رقبا در دست داشته باشند و تازه واردان وجود دارد. هر میدان با منافع خاص خود تعریف

¹ Structure and agency

² Subject and object

³ Habitual

می‌شود که الزاما برای افرادی که خارج از میدان قرار دارند، قابل تشخیص نیست. کارکرد هر میدان، لازمه‌اش، وجود منافع مشخص و افرادی است که به قواعد بازی تن می‌دهند.» (شریعتی، ۱۳۸۹)

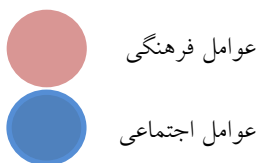
بر این اساس محقق بر این باور است که در شناسایی عوامل و مولفه‌های جامعه شناختی تحکیم خانواده در راستای پیشگیری از طلاق باید دو عامل فرد و ساختار را مورد توجه قرارداد، یعنی همان عاملیت و ساختار گیدنز و عادت واره و میدانی که بر دیو بدان اشاره می‌کند.

از سویی دیگر یکی از عواملی که ذیل عنوان عاملیت و یا همان فرد مورد بررسی قرار می‌گیرند طبق دیدگاه هنری الکساندر موری، انگیزه و نیاز به پیشرفت می‌تواند باشد، وی نخستین فردی بود که در کتاب شخص‌شناسی خود موضوع نیاز به پیشرفت را مطرح کرد. وی اگر چه اولین نفری نبود که معتقد بود نیازهای بنیادی نقش تعیین کننده‌ای در توانمندسازی برجای می‌گذارند ولی به علت تلاش‌های وی او را به عنوان بانی نظریه نیاز نوین مطرح می‌کنند. موری فهرستی از بیست نیاز، که به نظر او عمده ترین نیازهایی هستند که جنبه انگیزشی دارند، تنظیم کرد یکی از این نیازها که مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته و پژوهش‌های متنوعی را به دنبال داشته است و منجر به توانمندی افراد می‌شود، نیاز به پیشرفت است.

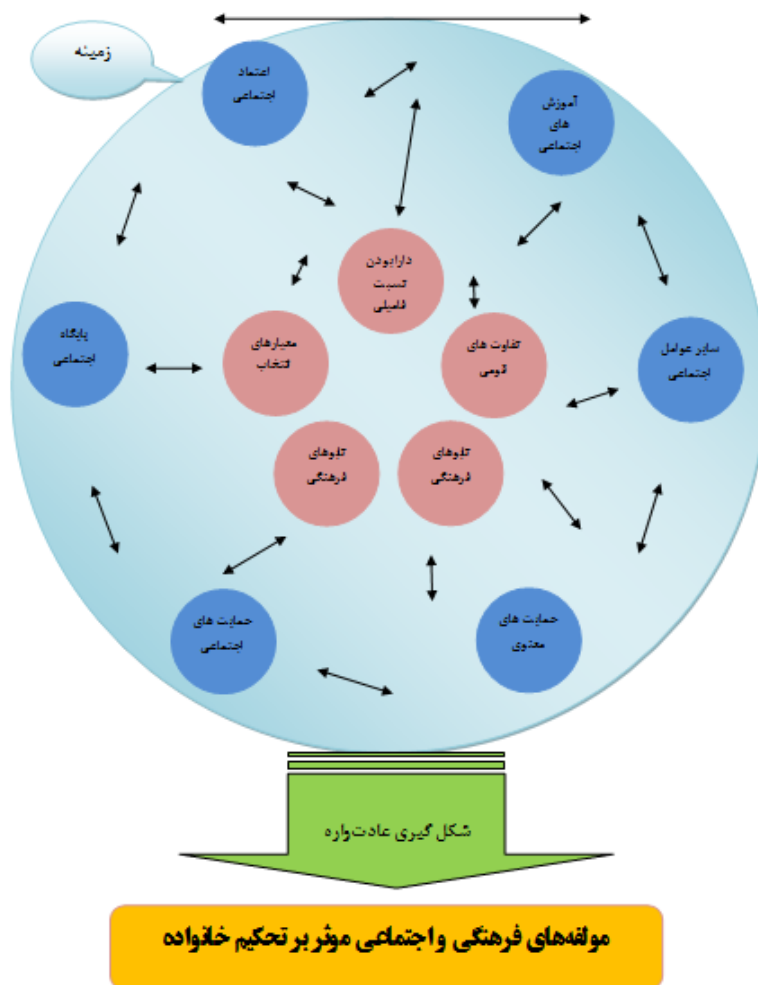
در کنار عوامل اشاره شده طبق دیدگاه آنتونی گیدنز سبک زندگی^۱ نیز می‌تواند بر مولفه‌های تحکیم خانواده در راستای پیشگیری از طلاق تاثیرگذار باشد چرا که آنتونی گیدنز معتقد است: اهمیت یافتن سبک زندگی از پیامدهای تجدد است. فرهنگ مبتنی بر سنت، آداب و رسوم جا افتاده در زندگی را در محدودی کانال‌های از پیش تعیین شده قرار می‌دهد. در این نوع فرهنگ اگر چه افراد انتخاب می‌کنند، اما انتخاب آنها در بازه خاصی قرار می‌گیرد. سبک زندگی در این معنا عملی است، که بدون ایجاد هیچگونه تغییری در آن، بی قید و شرط پذیرفته می‌شود. اما فرآیند تجدد (مدرنیته) باعث می‌شود، که فرد در گزینش‌های خود بدون هیچگونه راهبرد از پیش تعیین شده‌ای از تنوع انتخاب برخوردار باشد. بطور کلی در تحلیل عوامل و مولفه‌های جامعه شناسی موثر بر تحکیم خانواده در راستای پیشگیری از طلاق می‌توان به دو دسته از عوامل اشاره کرد:

الف: عوامل فرهنگی، ب: عوامل اجتماعی، که تحت عنوان میدان و عادت واره قابل بررسی می‌باشند.

مدل نظری



^۱ lifestyle



روش تحقیق

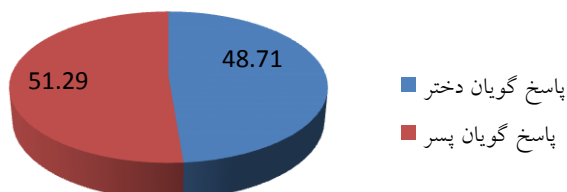
با عنایت به اینکه میانگین سن ازدواج (بر اساس نتایج سرشماری‌های مرکز آمار) در دخترها ۲۵ و در پسرها ۲۸ سال است بر این اساس تمام دخترهای در فاصله سنی ۲۰ تا ۲۵ سال و پسرهای در فاصله سنی ۲۳ تا ۲۸ سال جامعه آماری این پژوهش را به عنوان جوانان در آستانه ازدواج تشکیل می‌دهند.

این مطالعه در سطح مناطق ۲۲ گانه شهر تهران به اجرا در آمد و تلاش شد تا نمونه‌های مناسبی احصاء شود و سپس فرایند جمع‌آوری اطلاعات از نمونه طی شد. برای تعیین نمونه این پژوهش از فرمول کوکران استفاده شده است. بر این اساس شهر تهران به ۵ بخش کل تقسیم می‌شود. شمال شامل مناطق ۱، ۲، ۳، ۴. جنوب شامل مناطق: ۲۰، ۱۹، ۱۶، ۱۷. شرق مناطق: ۸-۱۵-۱۳-۱۴ غرب شامل مناطق: ۲۲-۲۱-۱۸-۹-۵ و مرکز شامل ۱۰-۱۱-۱۲-۶-۷.

با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه هر منطقه (شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز تهران) ۳۸۳ نفر حاصل شد. بر این اساس بواسطه جلوگیری از مشکل پرسشنامه‌های نادرست (که ممکن است در فرایند تکمیل پرسشنامه ایجاد گردد) ما این تعداد را به ۳۹۰ پرسشنامه در هر منطقه افزایش یافت. در این تحقیق پرسشنامه‌ای به منظور شناسایی فضای ذهنی و معیارها و شاخص‌های جوانان در شرف ازدواج نسبت به پدیده ازدواج و با بهره‌گیری از متخصصان امر طراحی شد.

یافته‌های تحقیق

نمودار ۲- توزیع پاسخگویان بر حسب جنسیت و میانگین سنی



فرضیه ۱: به نظر می‌رسد اعتقادات و باورهای مذهبی مورد انتظار افراد (از همسر) با تحکیم بنیان خانواده رابطه دارد.

جدول ۲: آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن برای سنجش رابطه میان اعتقادات مذهبی و تحکیم بنیان خانواده

Correlations				
			اعتقادات مذهبی	تحکیم بنیان خانواده
Spearman's rho	اعتقادات مذهبی	Correlation Coefficient	1.000	.472
		Sig. (2-tailed)	.	.001
		N	۳۹۰	۳۹۰
	تحکیم بنیان خانواده	Correlation Coefficient	.472	1.000
		Sig. (2-tailed)	.001	.
		N	۳۹۰	۳۹۰

با توجه به جدول ۲ میزان ضریب همبستگی میان متغیرهای اعتقادات مذهبی و تحکیم بنیان خانواده برابر با ۰/۴۷۲ محاسبه شده است که این میزان نشانگر وجود رابطه ای نسبتاً قوی و مستقیم است. بدین معنی که با افزایش (یا کاهش) اعتقادات مذهبی میزان تحکیم بنیان خانواده افزایش (یا کاهش) می‌یابد. با توجه به سطح معناداری این رابطه که برابر با ۰/۰۰۱ است و کوچکتر از ۰/۰۵ محاسبه شده است بنابراین فرض صفر رد و فرضیه پژوهش تایید می‌شود. به عبارت دیگر بین اعتقادات و باورهای مذهبی و تحکیم بنیان خانواده رابطه وجود دارد.

فرضیه ۲: به نظر می‌رسد بین پایگاه اجتماعی افراد و تحکیم بنیان خانواده رابطه وجود دارد.

جدول ۳: آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن برای سنجش رابطه میان پایگاه اجتماعی افراد و تحکیم بنیان خانواده

Correlations				
			تحکیم بنیان خانواده	پایگاه اجتماعی
Spearman's rho	تحکیم بنیان خانواده	Correlation Coefficient	1.000	.492
		Sig. (2-tailed)	.	.019
		N	۳۹۰	۳۹۰
	پایگاه اجتماعی	Correlation Coefficient	.492	1.000
		Sig. (2-tailed)	.019	.
		N	۳۹۰	۳۹۰

با توجه به جدول ۳ میزان ضریب همبستگی میان متغیرهای پایگاه اجتماعی و تحکیم بنیان خانواده برابر با ۰/۴۹۲ محاسبه شده است که این میزان نشانگر وجود رابطه ای نسبتاً قوی و مستقیم است. بدین معنی که با افزایش (یا کاهش) میزان پایگاه اجتماعی افراد میزان تحکیم بنیان خانواده افزایش (یا کاهش) می‌یابد. با توجه به سطح معناداری این رابطه که برابر با ۰/۰۱۹ است و کوچکتر از ۰/۰۵ محاسبه شده است بنابراین فرض صفر رد و فرضیه پژوهش تایید می‌شود. به عبارت دیگر بین پایگاه اجتماعی افراد و تحکیم بنیان خانواده رابطه وجود دارد.

۰/۰۵ محاسبه شده است بنابراین فرض صفر رد و فرضیه پژوهش تایید می‌شود. به عبارت دیگر بین پایگاه اجتماعی افراد و تحکیم بنیان خانواده رابطه وجود دارد.

فرضیه ۳: به نظر می‌رسد بین حمایت‌های اجتماعی و تحکیم بنیان خانواده رابطه وجود دارد.

جدول ۴: آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن برای سنجش رابطه میان حمایت‌های اجتماعی و تحکیم بنیان خانواده

Correlations			تحکیم بنیان خانواده	حمایت‌های اجتماعی
Spearman's rho	تحکیم بنیان خانواده	Correlation Coefficient	1.000	.418
		Sig. (2-tailed)	.	.015
		N	۳۹۰	۳۹۰
	حمایت‌های اجتماعی	Correlation Coefficient	.418	1.000
		Sig. (2-tailed)	.015	.
		N	۳۹۰	۳۹۰

با توجه به جدول ۴ میزان ضریب همبستگی میان متغیرهای حمایت‌های اجتماعی و تحکیم بنیان خانواده برابر با ۰/۴۱۸ محاسبه شده است که این میزان نشانگر وجود رابطه ای نسبتاً قوی و مستقیم است. بدین معنی که با افزایش (یا کاهش) میزان حمایت‌های اجتماعی افراد میزان تحکیم بنیان خانواده افزایش (یا کاهش) می‌یابد. با توجه به سطح معناداری این رابطه که برابر با ۰/۴۱۸ است و کوچکتر از ۰/۰۵ محاسبه شده است بنابراین فرض صفر رد و فرضیه پژوهش تایید می‌شود. به عبارت دیگر بین حمایت‌های اجتماعی افراد و تحکیم بنیان خانواده رابطه وجود دارد.

نتیجه‌گیری

امروزه به دلیل سرعت فرایندهای تغییرات در فرایند توسعه یافتگی جهان و ایران الگوهای ارتباطی افراد و جوامع به ویژه با استفاده از وسایل ارتباطی نوین به سرعت در حال تغییر است. بر این اساس شیوه‌های گزینش همسر و نیز نحوه ایجاد آشنایی و ارتباط دختر و پسر، دستخوش تغییرات چشمگیری در مقایسه با حتی دهه پیش ایران شده است. در جریان تغییرات اجتماعی، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی تغییر می‌کند، بنابراین شیوه‌های همسرگزینی، همچنین انتظارات زن و شوهر و مناسبات آنها هم دگرگون خواهد شد.

مقولاتی نظیر، تحصیلات عمومی و عالی، دورهٔ سربازی، جستجوی کار، تنش‌های شدید اقتصادی در دهه اخیر و ... در جامعهٔ امروز ایران موجب پیدایش دوره ای شده است که پسران برای کسب صلاحیت‌های لازم در فرآیند ازدواج ناگزیر باید آن را سپری کنند و دختران به عنوان دوره انتظار، باید آن را پشت سر بگذرانند. امروزه حتی این مراحل نیز دستخوش تغییرات جدی تری شده است بر این اساس دختر و پسر به واسطه شرایط خاص اجتماعی و اقتصادی کشور بیش از هر زمان دیگری جذب محیط کار شده اند و با توجه به بروز تغییرات جدی در ماهیت و جنس مشاغل در فرایند توسعه یافتگی کشورها به ویژه در دهه حاضر، اشکال جدید از ارتباط میان انسان‌ها در اقصی نقاط جهان و ایران ایجاد شده است که در بسیاری جهات با آنچه در گذشته تعریف شده بود، مغایرت دارد.

طی سال‌های گذشته و اجرای در برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، متأسفانه این سه مقوله (مولفه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) غالباً به عنوان مولفه‌های جدا از هم در نظر گرفته شده و مدیران اجرایی کشور توجه همزمان به این مولفه‌ها را به اندازه کافی مورد مذاقه قرار نداده اند. این مهم موجب شده است که شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و اهداف طراحی شده در برنامه‌های توسعه محقق نگردد.

بر این اساس اعتقاد و پیشنهاد بنیادین پژوهش حاضر بر این است که می‌بایست به مولفه‌های اجتماعی و فرهنگی و به عبارت دیگر به اصلی‌ترین سرمایه کشور یعنی سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی (و نه سرمایه‌های مادی و محیطی) به عنوان زیرساخت توسعه توجه داشت. لذا ضرورت دارد بیش و پیش از هر زمان دیگری نسبت به بازنگری در طراحی استراتژی حاکم بر طراحی و تدوین برنامه‌های توسعه مبادرت ورزید. متأسفانه غلبه رویکرد تکنوکراتیک به توسعه پایدار کشور موجب از بین بردن زیرساخت‌های اجتماعی کشور، کاهش سرمایه‌های اجتماعی، افزایش آسیب‌های اجتماعی و از جمله آنچه در پژوهش حاضر به آن پرداخته شد تضعیف بنیان خانواده شده است.

منابع

- آندره، میشل (۱۳۷۸) جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج، ترجمه فرنگیس اردلان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- پارکر، جان (۱۳۹۲) ساختار بندی، ترجمه: امیر عباس سعیدی پور، تهران، نشر آشیان.
- حاجی زاده میمندی، مسعود؛ مداحی، جواد، کریمی، یزدان؛ حدت، الهه، غروری، مینا (۱۳۹۵) بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با طلاق عاطفی، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، سال هجدهم، شماره ۷۱
- جمشیدی‌ها، غلامرضا، شهرام پرستش، ۱۳۸۶، دیالکتیک منش و میدان در نظریه عمل پی‌یر بوردیو، نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۰
- حاتمی، علی (۱۳۹۳) خانواده در آثار جامعه‌شناسان شرق و غرب، فصلنامه نقد کتاب علوم اجتماعی، سال اول، شماره ۳ و ۴.
- حبیب پور گنجابی، کرم؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰) علل افزایش سن ازدواج دختران، پژوهش زنان، شماره ۳۲.
- دیهول، منصور؛ احمدی، سیروس؛ میرفردی، اصغر (۱۳۹۵) رابطه توسعه و طلاق در ایران، پژوهش نامه مددکاری اجتماعی، سال دوم شماره ۹.
- زاهد زاهدانی، سید سعید (۱۳۹۶) جامعه‌شناسی خانواده با رویکرد سه وجهی، فصلنامه تحقیقات بنیادین علوم انسانی، شماره پیاپی ۷.
- زیبایی نژاد، محمدرضا (۱۳۹۳) تحلیلی بر مهمترین مسایل زنان و خانواده در ایران: بیانیه‌های علمی مرکز تحقیقات زن و خانواده از سال ۸۱ تا ۹۲. قم: حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان
- شریعتی، سارا، ۱۳۸۹، جزوه کلسی جامعه‌شناسی هنر، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران
- عبداللهی، اصغر؛ احدی، حسن؛ تاجری، بیوک؛ حاج علیزاده، کبری (۱۳۹۹) تجربه طلاق از منظر زوجین مطلقه در شهر تهران (در پنج سال اول زندگی)، مطالعات راهبردی زنان/ دوره ۲۳، شماره ۸۹
- کرایب، یان (۱۳۹۹) نظریه اجتماعی مدرن از پارسونز تا هابرماس، ترجمه: عباس مخبر، تهران، نشر آگه.
- گیدنز، آنتونی؛ جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، ۱۳۹۲ چاپ ۲۸،
- محمدی، حامد، نوابخش مهرداد (۱۳۹۵) شناسایی مولفه‌های فرهنگی و اجتماعی تحکیم خانواده در راستای پیشگیری از طلاق با تاکید بر پایگاه اجتماعی (مطالعه موردی خانواده‌های زیر ۵ سال تشکیل شهر تهران)، فصلنامه پژوهش اجتماعی، دوره ۸، شماره ۳۱
- مجد الدین، اکبر و جمالی، احمد رضا (۱۳۸۶) بررسی دلایل و اثرات افزایش سن ازدواج دختران روستایی در ایران، فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد آشتیان، سال دوم، شماره چهارم.
- مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور ۱۳۹۸-۱۳۸۲، انتشارات مرکز آماری ایران، تهران

شناسایی مولفه‌های فرهنگی و اجتماعی تحکیم خانواده در راستای پیشگیری از طلاق / ۹۳

- ملکی، امیر؛ ربیعی، علی، شگر بیگی، عالیه؛ بالاخانی، قادر (۱۳۹۴) بررسی فردی شدن خانواده در ایران با تأکید بر روند تغییرات ساختاری و کارکردی خانوادگی ایرانی از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۹۳، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، سال هجدهم، شماره ۶۹
- موسوی ویایه، فاطمه؛ صدقی الهمد، سولماز (۱۳۹۸) بررسی رویکرد نظری قانون تشکیل خانواده و تحکیم و تعالی آن، زن و مطالعات خانواده، سال دوازدهم شماره چهارم و ششم.
- میشل، اندره (۱۳۷۸) جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج، مترجم فرنگیس اردلان، تهران، دانشگاه تهران.
- نیازی، محسن؛ عسگری کویری، اسما؛ الماسی بیدگلی، احسان؛ نوروزی، میلاد؛ نورانی، الناز (۱۳۹۶) فراتحلیل مطالعات و تحقیقات درباره عوامل مرتبط با طلاق در ایران برای دوره ۱۳۸۶-۱۳۹۶، مطالعات اجتماعی- روانشناختی زنان، سال ۱۵ شماره ۴.
- نوابخش، مهرداد (۱۳۸۶) مبانی نظریه در جامعه‌شناسی، نشر پردیس
- نوابخش، مهرداد (۱۳۸۹) جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی (چگونه مسائل اجتماعی را حل کنیم)، نشر بهمن برنا

منابع انگلیسی

- The American family today, Pew research center, Report, December 17, 2015
- DePaulo, Bella, Divorce Rates Around the World, psychology today, February, 2019
- Gottman, J. M., & R. W. LEVENSON, (2015). "A Two-Factor Model for Predicting When a Couple Will Divorce". Family Process.

Identify the cultural and social components of family consolidation in order to prevent divorce

Hamed Mohammadi¹

PhD in Sociology, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Mehrdad Navabakhsh²

Professor of Sociology, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author)

Mohammad Sadegh Mahdavi

Professor of Sociology, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Abstract: *The family has an unparalleled position in the system of the Islamic Republic of Iran and in other social systems. Accordingly, in the economic, social and cultural development programs of the country, the family and its excellence and consolidation have always been emphasized. However, scientific observations and researches show that it is important that the path that this social institution has taken in recent years in Iran has not been expected by development planners. Accordingly, the present study began with the assumption that "there is a gap between the real components of family consolidation and the components of social development planners." The present study was conducted using documentary and field methods and questionnaire technique for 390 young people on the verge of marriage. The results of this study show that unfortunately about half of the girls and boys on the verge of marriage are reluctant to marry and the social and economic infrastructure to meet the basic needs of a life for them in accordance with the patterns and structures of today's Iranian society is not provided. This, in combination with other macro and micro components of society, has caused serious challenges for the survival and excellence of Iranian families. Finally, by examining the hypotheses of the present study, the relationship between socio-economic status, religious beliefs and social support with strengthening the foundation of the family was confirmed.*

Key words: *Girls on the verge of marriage, Boys on the verge of marriage, Matching, Matching, Family consolidation.*

¹ Email: Mohammadi_hd61@yahoo.com

² Email: Mehrdad_Navabakhsh@yahoo.com (Corresponding Author)